

# شریک خرابکاری کودکی تکیه‌گاه بزرگسالی

**امروز روز جهانی «برادر» است؛ قدیمی ترین دشمن و همیشگی ترین**

**دوست، رفیقی که جانت را برایش می دهی اما جورابت را نه!**

**به این مناسبت از جنبه های مختلف سراغ نقش برادر رفتیم**

#### پرونده

در روز های خوشی همه کنار آدم هستند؛ اما گاهی راهی طولانی و مسیری دشوار نیاز است تا یادمان بیايد در روز های سختی کمتر کسی کنارمان است مثل برادری که از کودکی با او قد کشیدیم و مثل خواهری که نفس مان به او بند است. از خواهر ها می شود در جای خودش حسابی گفت، اما بهانه امروز، «روز جهانی برادر» است؛ مناسبتی جهانی که هر سال در ۲۴ ماه می (۳ خرداد) فرصت دوباره ای به ما می دهد تا نقش و جایگاه برادر را دوباره مرور کنیم. همیشه فکر می کنیم داشتن برادر یعنی داشتن یک همسفر همیشگی، کسی که کنار تو بزرگ می شود، خاطرات کودکی ات را به یاد دارد، شریک بازی ها و مخفیگاه های درختی بوده و حالا بزرگ ترین سنگ صبور روز های سختی است. روز جهانی برادر فقط یک اسم نمادین نیست؛ بلکه پاسداشت نقشی است که برادر ها در خانواده ها دارند. در ادبیات و فرهنگ های مختلف، برادر نماد حمایت، وفاداری و حتی ایثار است. در بسیاری از داستان ها و حماسه ها، برادران نقش قهرمانان و الهام بخش موفقیت ها را ایفا کرده اند، فرقی نمی کند در اسطوره های ایرانی یا در تاریخ معاصر مثل برادران رایت که پرواز را برای بشر ممکن کردند. این روز، فرصتی برای ابراز مهری است که گاهی گفته نمی شود؛ می توانیم به بهانه اش نامه ای بنویسیم، تلفنی کوتاه بنویسیم یا هدیه ای ساده اما معنادار تقدیم کنیم. شاید همین کار های کوچک، پیوند های بزرگ زندگی را مستحکم تر کند. برادری مقوله ای است جهانی و فرا مرزی؛ همه ما وقتی از واژه برادر یاد می کنیم، چیزی فراتر از نسبت خونی احساس می کنیم.

## «داداش بزرگه» بودن

#### علیرضا کاردار برادر بزرگتر امیر رضا دلارام



برای من و امثال من که از ابتدای زندگی برادر بزرگتر بوده ایم، این که یک برادر بزرگتر داشته باشیم، تصویری سخت و البته محال ممکن است. ماعادت کرده ایم که همیشه «داداش بزرگه» باشیم. یک سری کار ها و مسئولیت ها که ناخواسته به دوش ما گذاشته شده و خود را موظف می دانیم که باید آن وظایف را انجام دهیم. البته این که خانواده و والدین هم از ما این توقع را دارند، بی تاثیر نیست. برادر بزرگتر موظف است بهترین فرزند خانواده باشد. حق هیچ خطایی ندارد.

باید درس و رفتار و گفتار و شغل و ازدواج و زندگی اش و... از همه بهتر باشد، چون الگوی خانواده است. باید نمونه باشد تا خواهر و برادر هایش از او یاد بگیرند. حق ندارد اشتباه کند، کم بیاورد و خواست خودش را به خواسته پدر و مادر و خواهر و برادر هاتر جیح دهد. حتی باید کمک خرج خانواده باشد، چون خواسته یا ناخواسته جانشین پدر است. البته که باید پشت و پناه کوچک تر ها هم باشد. باید سنگ صبور دیگران شود، در مشکلات راهنمایی کند، در اختلافات دفاع کند و برای هر مسئله ای راه حل داشته باشد. هر اتفاقی می افتد باید برای رفع و رجوعش پیش قدم باشد، هر کدام از خواهر و برادر ها در هر زمینه کم آورد باید برادر بزرگتر جبران کند، حامی باشد و کم و کسر و کاستی ها را خودش بر طرف کند و صدها وظیفه دیگر که این ها گوشه ای از وظایف نوشته و نانوشته برادر بزرگتر بودن است. البته نباید نادیده گرفت که «داداش بزرگه» بودن مزایایی هم دارد. کوچک تر ها می توانند به تکیه کنند، به توبه چشم یک ناجی و ابر انسان نگاه می کنند، تورا از بقیه بیشتر دوست دارند و می دانی که تحمل نبودن تر اندازند. برادر بزرگتر بودن سخت است ولی دلنشین است. شیرینی هایی دارد که به تلخی هایش می آزد. هوای داداش بزرگ هایتان را داشته باشید، آن ها از خودتان بیشتر شمارا دوست دارند و برایتان نگران هستند.

## فراتر از خون و پیوند ژنتیکی

#### شایان اله آبادی داداش کوچیکه شکیبا



برادر؛ کلمه ای ساده اما پر معنا که در دل خودش هزاران خاطره، تکیه گاه و دوستی را جای داده است. در دل همین کلمه ساده، مفهومی عمیق نهفته است: امنیت، رفاقت و تکیه گاه. وقتی از «برادر» حرف می زنیم، از کسی صحبت می کنیم که بی هیچ چشم داشتی در کنار تمی ماند، از خنده هایت شاد می شود و از دردهایت، دل نگران. اما حقیقت این است که همه ما با چنین نعمتی به دنیا نیامده ایم. برخی از ما، برادر خونی نداریم، اما زندگی راه های دیگری برای جبران این خلأ در اختیارمان گذاشته است. گاهی یک دوست قدیمی، یک هم کلاسی، یک همکار یا حتی یک همسایه، آن قدر در لحظات سخت در کنارمان بوده که در قلبمان جایگاهی که برادر واقعی را پیدا کرده است. کسانی که بی هیچ نسبت خونی و بی هیچ وظیفه ای، فقط از سر محبت و انسانیت، با بهای پیمان آمده اند. شاید اسمشان «برادر» نباشد، اما در عمل، برادری کرده اند؛ و چه بسا بیشتر. در واقع، شاید بتوان گفت برادری یک انتخاب است؛ انتخابی که برخی از زندگی مان با آن را شیرین تر و قابل تحمل تر کرده اند. در روز جهانی برادر، شاید بهترین کار این باشد که قدر دان تمام کسانی باشیم که در زندگی مان نقش برادر را بازی کرده اند؛ نه صرفاً کسانی که با ما پیوند خونی دارند. این روز یادآور این است که برادری یک احساس عمیق، یک عهد نانوشته و یک حمایت بی منت است. بنابراین، اگر برادر خونی نداری یا حتی اگر داری ولی روزی نتوانسته است کنار تو باشد، نگران نباش. جهان پر است از کسانی که می توانند به جای برادر، تکیه گاه قلبی و روحی تو باشند. روز جهانی برادر، فقط یک مناسبت نیست؛ فرصتی است برای بازنگری در معنی واقعی برادری و جشن گرفتن آن هایی که در زندگی مان مثل برادران واقعی بوده اند.

## چهار، هیچ برده ام

#### اکرم انتصاری خواهر محمد، محسن، علی و حمید



من خواهر چهارپسر هستم. می نویسم تا بدانید. به خصوص حالا که خواهر و برادری رنگ باخته است و شاید هر فرزند ی تنها شانشین این باشد که از دار دنیا تنها یک خواهر یا برادر داشته باشد. شاید دوست دارید بدانید قصه یک خواهر ته تغاری در خانه ای که ۴ پسر دارد، چه شکلی است؟ البته همه این ها به اضافه یک خواهر بزرگتر. اگر بخواهم این دنیا را به تصویر بکشم مطمئن باشید به سراغ روز های هفته می روم و شاید آب و هوا. برادر خوب داشتن شبیه یک روز خوب بهاری است که ابر های سفید گل کلمی آسمان را پوشانده اند و نمی گذارند آفتاب به

صورتت بخورد و تو در پناه یک سایه امن، از پوسته خسته کننده زندگی بیرون می آیی، خنده هایت واقعی تر می شود و دلت قرص تر. یک بار وقتی اکیسپلور اینستاگرام را باز کردم چشمم به یک چالش خورد. از این چالش ها که یک نفر میکروفون دستش می گیرد و به سراغ آدم های رودو از آن های پرسد اگر الان به برادرت رنگ بزی و بدون هیچ توضیحی از او بخواهی که کاری برایت انجام دهد آیا قبول می کنی؟ راستش بدون فکر و معطلی، جواب دادم بله. ته دلم قرص بود و وقتی این حس را داری انگار در فینال بازی جام قهرمانان، دلت نگران است اما با حس برادر در زمین شده ای و می دانی چهار هیچ جلوبی. انگار زندگی در کنار همه مشقت هایش، یک گزینه کمکی هم برایت کنار گذاشته باشد تا هر جا کم آوردی بگوید حالا که برادر داری این قدر تلخی نکن. برای من که فاصله سنی برادر بزرگترم با من ۱۵ سال و برادر کوچکترم ۴ سال است، زندگی شبیه یک تیم فوتبال است؛ برادر بزرگتر دروازه بان است و نمی گذارد گل بخوریم و او یکی نوک حمله کنار خودم بازی می کند، آن قدر که همه پاس گل های زندگی ام را به او بدهم. آن دوتای دیگر درست پشت سرم، در خط هافبک بازی می کنند و منتظرند توپ را به ما برسانند. شادی بعد از گل هر کدام شان از زمین تا آسمان فرق می کند اما همه این چهار نفر برای من یک تشبیه مشترک دارند: کوه های بزرگی که یک گنجشک کوچک روی خطرناک ترین نقطه، لانه ساخته است؛ بی هیچ بیم و ترددیدی.

## من، میان دو کوه

#### فاطمه ملک زاده خواهر محمدرضا و محمد جواد

داشتن برادر، یعنی همیشه میان دو کوه ایستاده باشی؛ یکی بلندتر از تو، دیگری کوتاه تر. یکی با سایه اش مایه دلگرمی ات می شود، و دیگری دستت را می گیرد تا

قد بکشد.

برادر بزرگترم؟ همواره نوعی کشمکش خاص میان ما وجود دارد. نه از آن گیری های جدی، بلکه همان کل کل های همیشگی از دوران بچگی که در نهایت به لبخندی ختم می شود، یا بی توجهی کوچک و کوتاه. با هم لجبازی می کنیم. گاهی من از سر همین لجبازی حاضر نیستم کوتاه بیایم و او هم همیشه گمان می کند حق با اوست. اما با این همه، در نهایت همیشه به نوعی مراقب من است. از زمانی که بزرگتر شدیم، شاید رابطه مان چندان صمیمی نباشد و حتی گفت و گوهای مان هم معمولاً در حد چند جمله محدود بماند، اما با وجود تمام این فاصله ها، بودنش نوعی ثبات است؛ طوری که انگار وقتی هست، خیالم آسوده تر است. نه به خاطر کار خاصی که بکند یا چیزی که بگوید، فقط چون هست. بودنش مثل حضور چراغی در خانه است که خاموش هم باشد، باز خیالم راحت است که اگر تاریک شد، می توان روشنش کرد. یک نوع دوست داشتن ساکت و قدیمی، مثل چیزی که همیشه بوده، بدون نیاز به گفتنش. اما برادر کوچکترم داستان متفاوتی دارد. تا چند سال پیش از من کوتاه تر بود؛ آن قدر که در آغوشم جامی شد. با او شوخی می کردم، حتی گاهی به نوعی زور می گفتم. انگار خودم هم برادری وسطی بودم که می خواست در خانه جایگاهش را ثابت کند. با هم فوتبال بازی



می کردیم، پلی استیشن، بیرون می رفتیم، قدم می زدیم، می دویدیم و سر نوبت بحث مان می شد. طوری رفتار می کردم که بیشتر شبیه برادرش بودم تا خواهرش. هنوز هم با او فوتبال تماشا می کنم، هنوز هم بر سر گل آفساید دعوا می می شود، اما حالا دیگر از من بلندتر شده. وقتی در آغوشش می گیرم، سرم به شانه هایش می رسد. من در میانه این دو برادر بزرگ شدم؛ نه آن قدر کودک که فقط بازی کنم، و نه آن قدر بزرگ که بتوانم بی تفاوت بمانم. من آن خواهری ام که باید بداند کی بجنگد، کی سکوت کند و کی سخن بگوید. کسی که لحنش برای هر کدام متفاوت است. برای یکی هنوز حکم فرمانده را دارد و برای دیگری صرفاً یک هم سنگر است. داشتن برادر، یعنی خودت را در آینه دوزندگی ببینی؛ یکی پشت سرت، دیگری پیش رویت. و تو، خط امتدی در میان این مسیر؛ هم آشنا، هم غریب. هم دختری و هم تا حدودی شبیه پسری.

## چرا باید نقش برادر را جدی بگیریم؟

برادری نقش پیچیده ای است، بسیاری از ما چه مرد باشیم چه زن، اولین رفیق و رقیب مان در زندگی برادرمان بوده است و بخش زیادی از آن چه هستیم، نتیجه تعامل با اوست

برادر ها اغلب نخستین دوستان، همراهان و حتی رقبای مادر زندگی هستند. از همان سال های ابتدایی کودکی، تجربیات مشترک با برادر می تواند شالوده ای برای رشد هیجانی و اجتماعی ما ایجاد کند. پژوهش های روان شناختی نشان می دهد کودکانی که دارای برادر هستند، معمولاً مهارت های ارتباطی و همکاری بهتری پیدامی کنند، یاد می گیرند خشم و هیجانات خود را بهتر کنترل کنند و با مفهوم حمایت و همدلی واقعی آشنایی شوند.

#### نقش برادر در تقویت مهارت های اجتماعی و هویتی

از منظر جامعه شناسی، حضور برادر و تعامل با او، آموزش های مهمی در زمینه هویت یابی اجتماعی می دهد. در بیشتر خانواده ها، برادران به انتقال ارزش ها، آداب و هنجار های خانواده کمک می کنند. حتی رقابت و کشمکش های سالم بین برادر ها بستر یادگیری حل تعارض، تمرین مسئولیت پذیری و رشد تاب آوری را فراهم می کند. همچنین الگوپذیری از برادران بزرگتر می تواند جهت دهنده انتخاب مسیر زندگی و شغلی در نوجوانی و جوانی باشد.

#### برادر، حامی سلامت روان و سپر بحران ها

نقش محافظتی و حمایتی برادران در برهه های بحرانی زندگی برجسته می شود؛ خواه ایستادگی در برابر مشکلات مدرسه و نوجوانی باشد، خواه حمایت عاطفی در بحران های خانوادگی یا اجتماعی. بر اساس مطالعات انجام شده در دانشگاه علوم پزشکی تهران، وجود برادر در خانواده ارتباط معناداری با کاهش استرس، اضطراب و حتی بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان دارد. در بسیاری موارد، برادران نقشی مشابه یک مشاور یا درمانگر ایفا می کنند؛ شنونده ای بی قضاوت و مشوقی برای عبور از موانع.

## معروف ترین برادران دنیا

امروز روز جهانی برادر است اما برادری تنها نسبت خانوادگی یا یک پیوند خونی نیست؛ مثلاً وقتی با برادرت تیم می شوی برای شکست دادن قلدر محله یا وقتی هماهنگ باهم روی یک پروژه کار می کنی برادری تبدیل می شود به خلأ قیتمی ماندگار، تبدیل می شود به انقلابی در علم یا شروع یک عصر طلایی در هنر جهان. به مناسبت روز جهانی برادر، سراغ بعضی از تأثیر گذار ترین برادران تاریخ معاصر در جهان و ایران رفتیم که نام شان با اختراع، موسیقی، ورزش و سفر گره خورده است.



**برادران رایت** در دسامبر ۱۹۰۳، دو برادر آمریکایی، ویلبر و اورویل رایت، نخستین پرواز موفق بشر با هواپیمای موتوری را در کیتی هاوک کارولینای شمالی ثبت کردند. برادرانی که فروشنده دو چرخه بودند اما با پشتکار و علاقه به فیزیک و مکانیک، رؤیای پرواز را به واقعیت تبدیل کردند. هواپیمای آن ها تنها ۱۲ ثانیه در هوا ماند، اما همان ۱۲ ثانیه، دنیا را برای همیشه دگرگون کرد.

**برادران گریم** جیکوب و ویلهلم گریم دوزبان شناس و داستان نویس آلمانی بودند که در قرن نوزدهم، داستان های عامیانه و فولکلور آلمان را گردآوری کردند. نتیجه کارشان مجموعه ای از قصه ها بود که امروز با نام قصه های برادران گریم شناخته می شود. سیندرلا، شل قرمزی، هانسل و گرتل و بسیاری دیگر، از دل قلم این دو برادر بیرون آمدند و ادبیات کودک را جهانی ساخت.

**برادران وارنر** چهار برادر با نام خانوادگی «وارنر» در دهه ۱۹۲۰ پایه گذار یکی از بزرگترین استودیوهای سینمایی جهان شدند. آن ها با تولید نخستین فیلم ناطق تاریخ «خواننده جاز» و بعدها با خلق شخصیت هایی چون باگزبانی، سوپرمن و بنمَن، صنعت سینما و سرگرمی را متحول کردند. وارنر ها نشان دادند که برادری می تواند پیشرو یک امپراتوری فرهنگی باشد.

**برادران دی بوئر** فرانک و رونالد دی بوئر، دو قلوهای مشهور هلندی، بخش بزرگی از دوران فوتبال حرفه ای خود را در کنار یکدیگر در باشگاه هایی چون آژاکس و بارسلونا و تیم ملی هلند گذراندند. هماهنگی بی نظیر در زمین و در کاتکتیکی آن ها، الگوی کم نظیری از اتحاد برادری در مستطیل سبز بود.

**برادران کلی** مارک و اسکات کلی، دو قلوهای آمریکایی، تنها دو قلوهایی در تاریخ اند که هر دو به عنوان فضانورد ناسا به فضا سفر کرده اند. اسکات در مأموریت تاریخی یک ساله خود در ایستگاه فضایی بین المللی، در حالی که مارک روی زمین ماند، موضوع یک آزمایش مهم پزشکی درباره تأثیرات بلند مدت سفر فضایی بر بدن انسان شد. نتایج این آزمایش دو قلوها به پیشرفت علم زیست فضا کمک شایانی کرد و نام آن ها را در تاریخ اکتشافات فضایی جاودانه ساخت.

**برادران امیدوار** در ایران، عیسی و عبدا... امیدوار از نخستین کسانی بودند که مفهوم انسان شناسی میدانی و سفرنامه نویسی مدرن را معرفی کردند. آن ها در دهه ۳۰ و ۴۰ خورشیدی، سفری چندساله به پنج قاره انجام دادند و فرهنگ، آداب و رسوم بومی را با دقت مستند کردند. سفر آن ها نه تنها ماجراجویانه، بلکه علمی و فرهنگی بود.

**برادران خادم** رسول و امیر رضا خادم، دو نام آشنا در تاریخ کشتی ایران هستند. رسول، قهرمان جهان و المپیک و بعدا مدیر ورزشی و امیر رضا، چهره ای مؤثر در آموزش کشتی پایه، هر دو با تکنیک و منش جوانمردانه خود، نقش مهمی در رشد این ورزش ملی داشته اند.